

Article Type: Research

نوع مقاله: پژوهشی

واکاوی پاسخ‌دهی واکنشی تقنینی نظام عدالت کیفری

در قلمرو جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی

جمیله زینعلی^۱، محسن شکرچی زاده^۲، راضیه قاسمی کهریزسنگی^۳

چکیده

زمینه و هدف: رویکرد یا ماهیت پاسخ‌دهی یک نظام عدالت کیفری به رویکرد سیاست جنایی همان نظام در حوزه مقابله با جرم مرتبط است و حسب مورد می‌تواند اصلاح‌گرا، سزادهنده، کنترلی یا ترمیمی باشد. در این میان، پاسخ‌دهی با اشخاص حقوقی در مقایسه با اشخاص حقیقی که مرتکب یک جرم شده باشند، ماهیتاً متفاوت خواهد بود. به عبارتی، با سازوکار عادی پیش‌بینی شده برای پاسخ‌دهی به جرایم ارتكابی اشخاص حقیقی، نمی‌توان به پاسخ‌دهی اشخاص حقوقی پرداخت. پاسخ‌های واکنشی نظام عدالت کیفری به صورت مجازات نمودن اشخاص حقوقی است که از بین مجازات‌های عمومی شرعی، فقط تعزیر قابلیت اعمال را نسبت به اشخاص حقوقی دارد و برای اشخاص حقوقی بهتر است که از مجازات‌های اختصاصی این اشخاص از قبیل انحلال، مصادره، ممنوعیت‌ها، جزای نقدی و انتشار حکم محکومیت استفاده شود.

روش: پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: نظام عدالت کیفری ایران در نظام پاسخ‌دهی واکنشی از مناسب نبودن مجازات‌های پیش‌بینی شده برای تمامی اشخاص حقوقی رنج می‌برد. همچنین اشخاص حقوقی عمومی که در اعمال حاکمیتی، فاقد مسئولیت کیفری هستند و ابهام در مصادیق امر حاکمیتی راهکاری برای فرار اشخاص حقوقی عمومی از مسئولیت کیفری است. وضع مقررات دادرسی کیفری افتراقی برای پاسخ‌دهی به جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی و همچنین تعیین دقیق شیوه اجرای مجازات‌های اختصاصی اشخاص حقوقی از نیازهای اساسی این نظام پاسخ‌دهی هستند.

کلید واژه‌ها: اشخاص حقوقی، عدالت کیفری، اعمال حاکمیتی، اعمال تصدی، پاسخ‌دهی واکنشی تقنینی.

* استناددهی (APA): زینعلی، جمیله؛ شکرچی زاده، محسن؛ راضیه، قاسمی کهریزسنگی. (۱۴۰۰). واکاوی پاسخ‌دهی واکنشی تقنینی نظام عدالت کیفری در قلمرو جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی. *تحقیقات حقوقی آزاد*، ۱۴(۵۲)، ۲۶۷-۲۵۱.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_687524.html

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: Mohsen.Shekarchi@gmail.com

۳. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران و گروه حقوق، واحد تیران، دانشگاه آزاد اسلامی، تیران، ایران.



مقدمه

شکل‌گیری نسل جدیدی از واقعیت اجتماعی، به نام اشخاص حقوقی، در قالب سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی عمومی و خصوصی، پدیده نوظهوری بوده است که نظام عدالت کیفری را در موازنه انتساب مسئولیت کیفری و در نتیجه قابل مجازات دانستن این اشخاص، با چالش جدی روبه‌رو کرده است؛ به نحوی که حتی امروزه هم صحبت کردن از مسئولیت کیفری و مجازات اشخاص حقوقی تا حدود زیادی قابل توسعه و پذیرش عقلانی برای دست‌اندرکاران این قضیه نیست. پذیرش اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خود به تنهایی به یک انقلاب نظری و عملی در نظام حقوق کیفری بدل گردیده و همواره محل بحث و گفتگو و جولان اندیشه‌های صاحب‌نظران بوده است و نقطه تلاقی و انطباق این اندیشه‌ها هیچ‌گاه در یک موضع موافق شکل نگرفته است. با وجود این، پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی از بستر معادلات، نظریه‌ها و اندیشه‌های مختلف حادث گردیده و اینک در چارچوب متون قانونی تثبیت گردیده است. در حال حاضر ابهامات فراوانی در عمل و در نظر برای پیاده‌سازی قواعد مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی ناشی از جرم اشخاص حقوقی وجود دارد. به سبب وجود همین ابهامات، مراجع قضایی نیز در اجرای مقررات مربوطه عملکرد منفعلانه‌ای دارند. انجام یک پژوهش جامع برای شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکار برای رفع ابهامات و تعارضات موجود ضروری است.

حسب ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده ۱۴۳ این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد مقرر محکوم می‌شود و این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست. اولین و مهم‌ترین مقدمه لازم برای پاسخ‌دهی و واکنشی به جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی این است که بتوان فعل مجرمانه را به شخص حقوقی نسبت داد و برقراری این انتساب از طریق تئوری‌های مختلف صورت گرفته است. در این بین حقیقت این است که حوادث زیان‌بار در عرصه فعالیت اشخاص حقوقی به‌ندرت محصول اشتباهات فردی هستند، بلکه بیشتر آن حوادث در زنجیره علیت خود، عوامل بسیار پیدا و پنهانی دارند که باید با دقت مورد توجه قرار گیرند (ولز، ۲۰۰۱: ۱۷-۱۶). به عبارت دیگر، در ایجاد این حوادث و وقوع جرایم در اشخاص حقوقی، قصور یا خطای فردی در مقایسه با نارسایی‌های دیگر، مانند قصورهای نامحسوس مدیریتی و ارتباطی، نارسایی روش‌ها، سازمان پیچیده و متداخل و مانند آن، از اهمیت زیادی برخوردار نیست، لذا توجه به شرایط یا ساختاری که حوادث در آن اتفاق افتاده، مهم‌تر است و همین دلیل است که نظام عدالت کیفری واکنش‌هایی را در قبال اشخاص حقوقی در ابعاد کیفری آن می‌پذیرد.

هرچند در پژوهش‌های چندی ابعادی از این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است، لیکن کلیت نظام پاسخ‌دهی واکنشی مورد بررسی قرار نگرفته است. پژوهش‌های چندی و ازجمله: محبی در مقاله تناسب مسئولیت کیفری در سال ۱۳۹۵، مرتضوی فر در پایان‌نامه خود در سال ۱۳۹۴ تحت عنوان «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در فضای مجازی»، مهدیه سیفی در پایان‌نامه خود با موضوع «ارکان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، گلدوزیان و قربانی (۱۳۹۱) در مقاله «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در کنوانسیون‌های بین‌المللی»، حسنی (۱۳۹۰) در مقاله «مطالعه‌ی تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم قتل و صدمات بدنی در حقوق کیفری انگلستان و ایران»، پوربافرانی و سیفی (۱۳۹۴) در مقاله «گونه‌شناسی مجازات شخص حقوقی»، پیرانی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی»، شریفی (۱۳۹۵) در مقاله «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و فرانسه» برخی از ابعاد موضوع را مشخص کرده‌اند. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با نگاهی به نظام پاسخ‌دهی تقنینی در صدد است تا ضمن یافتن پاسخ‌هایی برای ابهامات مطرح‌شده، به ارزیابی کلی از نظام پاسخ‌دهی واکنشی به جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی پردازد. از این رو مهم‌ترین سؤالی که نگارندگان در پی پاسخ‌گویی به این هستند که پاسخ‌دهی تقنینی نظام عدالت کیفری در قلمرو جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی از چه وضعیتی برخوردار است؟

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم پاسخ‌دهی

در لغت‌نامه دهخدا کلمه «پاسخ» به معانی متعددی آمده است و ازجمله «جواب، اجابت، استجاب، انعکاس، بازتاب، لیک، اجر، پاداش، ثواب، جزا، عوض و مکافات» (دهخدا، ۱۳۸۶: ۶۱۳) و «پاسخ‌دهی» به معنای بازتاب و انعکاس و جوابی است که در قبال یک پدیده یا مسأله داده می‌شود. «پاسخ‌دهی» با توجه به نوع و ماهیت مسأله، صور گوناگونی می‌تواند داشته باشد. از آنجاکه در این تحقیق موضوع بازتاب و انعکاسی است که جامعه در قبال «رفتار مجرمانه اشخاص حقوقی» می‌دهد، بدیهی است که پاسخ‌دهی از این منظر مورد توجه قرار می‌گیرد. پاسخ جامعه به رفتار مجرمانه اشخاص حقوقی می‌تواند یک اقدام کنشی باشد و یا یک اقدام واکنشی باشد و البته ممکن است که یک جامعه در قبال پدیده‌ای منفعل بوده و سکوت اختیار نماید و بدین اعتبار این پدیده از قلمرو حقوق کیفری و نظام عدالت کیفری خارج می‌گردد. در پاسخ‌دهی واکنشی سعی می‌شود با تکیه بر اثرهای کیفر و اعمال مجازات، با اجرای اصولی، سریع و حتمی کیفر، بر افکار عمومی تأثیر گذاشته تا هم پاسخ مناسبی به مرتکب داده شود و هم از ارتكاب جرایم آتی پیشگیری شود؛ اما باید اذعان کرد هرچند که در بسیاری از کشورها مجازات‌های سنگینی

وضع شده؛ اما در مهار جرائم موفق نبوده‌اند و این پاسخ‌دهی، انتظارات را برآورده ننموده است. پاسخ‌دهی و واکنشی می‌تواند به شکل عام و یا به شکل خاص باشد.

۱-۲. نظام عدالت کیفری و متولیان این نظام

عدالت کیفری^۱ به معنای اجرای عدالت در مورد اشخاصی است که مرتکب امری جنایی شده‌اند. نظام تحقق عدالت کیفری، سازمان و تشکیلات حکومتی است که در پی شناسایی و دستگیری اشخاص متخلف از قانون با هدف تنبیه و پاسخ‌گویی مناسب به آنهاست. تعریف اصطلاح نظام عدالت کیفری، به‌طور مستقیم متأثر از مفهوم عدالت کیفری است. در واقع، زمانی که عدالت کیفری از منظر یک مجموعه سازمان‌یافته و کلیه نهادهای تقنینی، قضایی و اجرایی مد نظر قرار می‌گیرد، نظام عدالت کیفری مطرح می‌شود. «عدالت کیفری از طریق یک سری از مراحل به اجرا درمی‌آید: اتهام؛ تعقیب؛ محاکمه؛ تعیین مجازات؛ تجدیدنظرخواهی و مجازات. این فرایندها و نهادهایی که آنها را اجرا می‌کنند در مجموع نظام عدالت کیفری نامیده می‌شوند» (یوجین^۲ و مونسی^۳، ۲۰۱۲: ۱۲۴).

«فراتر از صرف کلمات خود قانون، لایه‌های ناهمگون و مختلفی وجود دارند که محصول اعمال و اجرای قانون و حقوق در عمل، از طریق نهادهای مختلفی که نظام عدالت کیفری را تشکیل می‌دهند، هستند» (دی^۴، ۲۰۱۶: ۱۴).

ساختار متولی نظام عدالت کیفری در هر کشوری، متفاوت از کشور دیگر است، هرچند در اصل و اساس نقاط اشتراک زیادی را دارند. نظام عدالت کیفری دارای ساختارهای اصلی در حوزه تقنین در حقوق کیفری، رسیدگی قضایی، اجرای احکام صادره، پیشگیری از جرم و مشارکت عموم در تحقق نظام عدالت کیفری می‌باشد و تدابیر واکنشی در سه مرحله تقنین، رسیدگی قضایی و اجرای احکام صادره مطرح می‌شوند.

۱-۳. مفهوم اشخاص حقوقی و گونه شناسی آن

در زبان علمی حقوقی «شخصیت عبارت است از قابلیت و اهلیت داشتن یا دارا شدن حقوق و تکالیف و اجراء و اعمال آنها بی‌واسطه یا به‌واسطه شخص دیگر است» (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲)، آن خصیصه و شایستگی که موجبات تمتع از حقوق و عهده‌دار شدن تکالیف را فراهم می‌سازد، شخصیت نامیده می‌شود. حال چنانچه این قابلیت، ذاتی شخص باشد، شخصیت حقیقی است و همان اهلیت منظور نظر قانون مدنی حاصل شده و دارنده آن را شخص حقیقی و

1. Criminal justice
2. Eugene
3. Muncie
4. Dee

در صورتی که حالت موصوف عارضی باشد، چندان که قابلیت سلب و انفکاک از آن موجود را داشته باشد، شخصیت حقوقی و دارنده آن را شخص حقوقی می‌نامند. «تنها مصداق شخص نخست، انسان و از جمله مصادیق شخص دوم، شرکت‌ها، موقوفات، دولت و مؤسسات عمومی می‌باشند» (صفار، ۱۳۹۰: ۹۸). با این توصیف، شخص حقوقی آن موضوع و آن موجود غیر از شخص حقیقی است که از صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف برخوردار گردیده است. «چنین موجودیتی موهوم نیست و ریشه در واقعیت دارد. آن چنان واقعیتی که علاوه بر مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری آن را نیز اجتناب‌ناپذیر می‌سازد» (پیرانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۴). در عالم حقوق، برای پدید آوردن شخصیت حقوقی بر حسب نوع آن، شیوه و معیارهای گوناگون پیش‌بینی شده» (پاسبان، ۱۳۸۹: ۲) و قانون به آنها اعطای شخصیت کرده است. امروزه اشخاص حقوقی وجود دارند و هر روز به تعداد آنها افزوده شده و از بازیگران مهم نظام عدالت کیفری محسوب می‌شوند. اشخاص حقوقی از یک منظر کلان به اشخاص حقوقی داخلی و اشخاص حقوقی بین‌المللی تقسیم می‌شوند. در سطح ملی، اشخاص حقوقی داخلی به اشخاص حقوقی عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی منفک می‌گردند.

۲. پاسخ‌دهی واکنشی تقنینی به جرایم اشخاص حقوقی

نظام عدالت کیفری ایران در سال ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را نه به‌عنوان یک استثنا، بلکه به‌عنوان یک «قاعده» مورد پذیرش قرار داد. پاسخ‌دهی تقنینی، اولین مرحله از پاسخ‌دهی نظام عدالت کیفری به جرایم اشخاص حقوقی و در واقع اولین برخورد واکنشی نظام عدالت کیفری با این گونه جرایم است. زمانی که در یک نظام حقوقی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته می‌شود و این اصل پذیرفته می‌شود، اقتضای اصل «قانون بودن جرم و مجازات» اقتضاء می‌کند که به‌طور صریح و دقیق و بدون ابهام و آن‌گونه که اصول جرم‌انگاری در حقوق کیفری لازم شمرده است، برای اشخاص حقوقی نیز جرم‌انگاری رفتارها صورت پذیرد. این جرم‌انگاری به دو صورت ممکن است باشد، عمومی و افتراقی که به آنها می‌پردازیم.

۲-۱. جرم‌انگاری عمومی

جرم‌انگاری عمومی بدین معناست که مقنن، رفتار یکسانی را هم برای اشخاص حقیقی و هم برای اشخاص حقوقی جرم بداند. چالش در اینجاست که بخش مهمی از مقررات جزایی قبل از پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی بوده است و در زمان جرم‌انگاری آنها، قانون‌گذار، هیچ توجهی به اشخاص حقوقی نداشته است، سؤال این است که آیا این جرایم قابلیت انتساب به اشخاص حقوقی را دارند یا خیر؟ البته این بدان معنا نیست که تمامی جرایمی که جرم‌انگاری شده‌اند، قابلیت ارتکاب توسط اشخاص حقوقی را دارند. بلکه اشخاص حقوقی در صورت

ارتكاب هر جرم از جرایم مندرج در قانون، قابل تعقیب و مجازات نیستند و فقط در صورت ارتكاب جرایمی خاص، واجد مسئولیت کیفری هستند. «در رابطه با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی یک اصل تخصصی وجود دارد» (استفانی و همکاران، ۱۳۷۷: ۴۱۱).

شخص حقوقی صرفاً در موارد مصرح مسئولیت کیفری پیدا می‌کنند. تردیدی نیست که اشخاص حقوقی را به‌خاطر ارتكاب تجاوز جنسی یا عربان‌نمایی نمی‌توان تعقیب نمود، بلکه سازوکار و ماهیت اشخاص حقوقی به‌گونه‌ای است که ظهور و بروز اعمال و آثار وجودی آنها از طریق اشخاص حقیقی است و اهداف و مقاصد آنها را مدیران، نمایندگان یا عاملان می‌پوشند. در نظام حقوقی ایران و در ارتباط با جرم‌انگاری‌های عمومی صورت گرفته، می‌توان گفت که جرم‌انگاری‌های ذیل برای اشخاص حقوقی نیز می‌باشد. جرایم علیه اموال و مالکیت، جرایم علیه امنیت، جرایم سازمان‌یافته که برای نخستین بار در سال ۱۹۲۴ و در کتاب اصول جرم‌شناسی ادوین ساترلند مطرح و وارد ادبیات جرم‌شناسی شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۷۹) که «معمولاً به وسایل غیرقانونی برای جمع‌آوری سرمایه اتکاء می‌کند» (گلدوزیان و قربانی، ۱۳۹۱: ۱۰)، از جمله جرایم قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان که روند صعودی و حیرت‌برانگیزی را در این سده طی نموده است، از طریق اشخاص حقوقی ارتكاب یافته‌اند. جنایات سازمان‌یافته فراملی با آثار سوءاخلاقی و اجتماعی قابل توجهی است که از رشد تکان‌دهنده‌ای برخوردار است (اسعدی، ۱۳۸۶: ۲۴۱) و اشخاص حقوقی در ارتكاب این جرایم نقش مهم و حتی اصلی را دارند.

سؤال این است که درنهایت کدام‌یک از جرم‌انگاری‌های قبلی را می‌توان به اشخاص حقوقی نیز تعمیم داد. در پاسخ باید گفت که این بستگی به متن مواد قانونی دارد که با توجه به اصل تفسیر مضیق در حقوق کیفری تا چه حدودی می‌توان جرم‌انگاری‌های عمومی صورت گرفته قبل از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را با اشخاص حقوقی هم تعمیم داد. در جرم‌انگاری‌های صورت گرفته توسط نظام تقنینی ایران، یک سری از رفتارها توسط قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و هم‌زمان با پذیرش قاعده کلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، جرم‌انگاری شده‌اند و یا به‌موجب قوانینی جرم‌انگاری شده‌اند که بعد از ایجاد قاعده کلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به تصویب رسیده‌اند. به‌عنوان مثال قانون مالیات‌های مستقیم که در سال ۱۳۹۴ تصویب شد، شامل جرم‌انگاری‌هایی می‌باشد که در شمول آنها بر اشخاص حقوقی از نظر حاکمیت زمانی قانون، تردیدی نیست. البته این بدان معنا نیست که هر جرم‌انگاری بعد از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شامل اشخاص حقوقی هم می‌شود، در این موارد نیز باید احتمال عقلی آن را نیز بررسی نمود.

۲-۲. جرم‌انگاری افتراقی

منظور از جرم‌انگاری افتراقی این است که قانون‌گذار در زمان جرم‌انگاری، یا تمام تمرکز و توجهش بر روی شخص حقوقی باشد و فقط برای این شخص جرم‌انگاری نماید، یا اینکه در زمان جرم‌انگاری، در برخی از مقوله‌های جرم‌انگاری شده، نگاه متفاوت و افتراقی نسبت به شخص حقوقی داشته باشد. این شیوه جرم‌انگاری افتراقی را در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌خوبی شاهد هستیم. به‌عنوان مثال «جرائم اشخاص حقوقی از نوع جرائم با مسئولیت مطلق در نظر گرفته می‌شود» (فلاحی، ۱۳۹۳: ۲۶۵). تحلیل از مفهوم انصاف در مورد مسئولیت یک فرد با مسئولیت در شرکت‌های بزرگ متفاوت است» (آشورث، ۲۰۰۵: ۱۳۹)، چه اینکه آثار عمل یک فرد و یک عمل جمعی در قالب شخص حقوقی و به‌وسیله‌ی شرکت‌ها و کارخانه‌ها بزرگ بر فرد و جامعه متفاوت خواهد بود.

نظام حقوق جزایی ایران در ارتباط با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، از فقدان مقررات افتراقی رنج می‌برد و تکلیف بسیاری از موضوعات در ارتباط با اشخاص حقوقی که نیاز به جرم‌انگاری افتراقی داشته‌اند، مشخص نشده است و مبهم است. مثلاً شمول یا عدم شمول جرایم عمدی، وضعیت معاونت و مشارکت در جرایم عمدی که نیاز با مقررات افتراقی دارند، به سکوت واگذار شده است.

شرکت در جرم اشخاص حقوقی نیز با توجه به ماهیت جرم، علم و آگاهی از جرم یا تقصیر نسبت به آن، از طریق دخالت توأمان شخص حقوقی با شخص یا اشخاص دیگر اعم از حقوقی یا حقیقی در عملیات اجرایی جرم، قابل تصور است. از آنجاکه این مفهوم، چیزی جز اجتماع مباشرین در تداخل و عرض یکدیگر نیست (نوربها، ۱۳۹۲: ۲۰۲-۱۹۱ و اردیلی، ۱۳۹۳: ج ۲، ۸۴-۷۷)، اقدام اشخاص حقوقی در کسوت معاونت نیز آنجا معنا می‌یابد که بدون دخالت در عملیات اجرایی، اصیل و مباشر را در ارتکاب جرم استعانت کنند. مثل اینکه شرکت بازرگانی (الف) از طریق اطلاعاتی یا قاچاق کالا یاری دهد. بدیهی است وجود شرط‌های قانونی همچون وحدت قصد و اقتران یا تقدم زمانی میان رفتار شخص حقوقی معاون و مرتکب جرم که جای بحث آن در این نوشتار نیست، ضرورت تحقق معاونت در مورد هر شخص از جمله شخص حقوقی است (شریفی، ۱۳۹۵: ۹۸). در وضعیت حاضر چاره این است که با استناد به مقررات کلی مسئولیت کیفری، در مواردی که نیاز به جرم‌انگاری افتراقی بوده است، لیکن صورت نگرفته است، راهکاری را برای حل مسأله ارائه داد. با توجه به عمر بسیار کوتاه پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران، طبیعی است قانون‌گذار فرصت این را نداشته است تا نسبت به

1. Ashworth



جرم‌انگاری افتراقی و در نتیجه مناسب‌تر رفتارهای اشخاص حقوقی دست بزند و شاید در آینده این امر صورت پذیرد؛ اما رگه‌های از جرم‌انگاری افتراقی را در بین قوانین و مقررات موجود در ارتباط با اشخاص حقوقی می‌توان مشاهده کرد که فقط به عنوان نمونه به قاچاق کالا و ارز از طریق اشخاص حقوقی اشاره می‌شود. هرچند و به‌طور کلی پاسخ‌دهی نظام عدالت کیفری به جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی در مقایسه با اشخاص حقیقی، باید افتراقی باشد، لیکن در مرحله تعریف جرم این موضوع کمتر مشاهده شده و در مجازات‌های اشخاص حقوقی این افتراق به‌خوبی ملموس است (رستمی‌غازانی، ۱۳۹۹: ۸۹).

۲-۳. مجازات اشخاص حقوقی

پاسخ‌دهی نظام عدالت کیفری به جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی در درجه اول مجازات است و سایر پاسخ‌ها در کنار مجازات، جنبه فرعی پیدا می‌کنند. در ارتباط با مجازات اشخاص حقوقی، در همان بدو امر، دو مقوله مطرح است. یکی اعمال مجازات‌های عمومی نسبت به اشخاص حقوقی و دیگری هم اعمال مجازات‌های اختصاصی برای اشخاص حقوقی که در مورد اشخاص حقیقی قابلیت اعمال را ندارد.

۲-۳-۱. مجازات‌های عمومی

همان‌گونه که شخص حقوقی نمی‌تواند مرتکب هر جرمی شود، هر مجازاتی هم نسبت به او اعمال‌شدنی نیست. بر این اساس، ماده ۲۰ این قانون، مجازات‌های اعمال‌شدنی برای اشخاص حقوقی را برشمرده است. در عین حال، این قانون همه نکات و مسائل مربوط به مجازات شخص حقوقی را بیان نکرده است. این اعتقاد که مجازات شخص حقوقی بیش از همه ضمانت اجراهای دیگر، اهداف حقوق کیفری را در مورد اشخاص حقوقی تأمین می‌کند غلبه دارد، زیرا وضع مجازات نه‌تنها بیان حمایت از یک ارزش و محکوم‌کننده رفتار خلاف آن که به وجودآورنده یک تأثیر بازدارنده و پیشگیرانه نیز هست (دندوراند^۱، ۱۹۹۹: ۲۷).

پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به معنای پایان کار نیست، بلکه مشکل در شناسایی کیفرهای مناسب اشخاص حقوقی و نحوه اعمال آنهاست. (پوربافرانی و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۰۲) و مشکل تازه از این نقطه آغاز می‌شود. اشخاص حقوقی هرچند می‌توانند مرتکب جرایمی شوند که اشخاص حقیقی قادر به ارتكاب آنها هستند، اما نمی‌توانند به کیفرهایی محکوم شوند که اشخاص حقیقی محکوم می‌شوند. تصوراتی مانند حبس شخص حقوقی، اعدام شخص حقوقی، شلاق زدن به شخص حقوقی و قصاص شخص حقوقی بی‌معنا جلوه می‌نماید و فقط در ادبیات یا داستان می‌توان از آنها استفاده کرد، هرچند برخی از معادل‌ها به این مفاهیم نزدیک

1. Dandurand

است. اجرای برخی از مجازات‌ها مانند مجازات‌های بدنی و سالب آزادی در مورد اشخاص حقوقی ممکن نیست. (محسنی، ۱۳۷۶: ۱۶۲؛ صانعی، ۱۳۷۱: ۱۱۶/۲)، ولی حقیقت نهفته در این ایراد یعنی محدودیت قانون‌گذاران در تعیین گونه‌های مجازات شخص حقوقی را باید پذیرفت و به فکر چاره بود. در عین حال از این نکته هم نباید غافل بود که اگر دست قانون‌گذار در تعیین گونه‌های مختلف مجازات برای اشخاص حقوقی بسته است، هیچ محدودیتی برای مجازات اشخاص حقیقی مداخله‌کننده در ارتکاب جرم نیست و به فرض وجود شرایط مسئولیت کیفری، جمع مجازات اشخاص حقیقی و حقوقی ممکن است» (جی ایشن^۱، ۱۹۹۹: ۲۹۵؛ شونمن، ۱۹۹۹: ۲۵۹) و ذیل ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی به این موضوع اشاره دارد: «... مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست» (پوربافرانی و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۰۳). در اینجا بحث این است که چگونه می‌توان مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقیقی و به‌عنوان مجازات‌های عمومی و سنتی و از قبل شناخته شده در ارتباط با اشخاص حقوقی اعمال نمود.

مجازات‌های عمومی اشخاص حقیقی خود از چند جهت طبقه تشکیل شده است (علی‌آبادی، ۱۳۶۸: ۴/۲؛ بولک، ۱۳۸۴: ۶۱) و همه با این طبقه‌بندی‌ها آشنا هستیم، باید گفت که مجازات‌های اشخاص حقوقی نیز قابل طبقه‌بندی است. حقوق‌دانان معمولاً مجازات اشخاص حقیقی را از سه حیث طبقه‌بندی کرده‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۶۰/۳-۶۱). اولین مورد، از حیث شدت و ضعف مجازات است که خود به سه دسته مجازات‌های جنایی، جنحه‌ای و خلاف تقسیم می‌شود و البته این معیار در حال حاضر در نظام عدالت کیفری ایران پذیرفته شده نیست. دومین مورد، از نظر ماهیت آنهاست که به مجازات‌های بدنی، سالب آزادی، مالی، سالب حق و... تقسیم می‌شود. سومین مورد، تقسیم مجازات‌ها از لحاظ نسبت آنها با یکدیگر است که از این منظر، مجازات‌ها به اصلی، تکمیلی و تبعی تقسیم می‌شوند.^۲ معیار چهارمی را نیز باید به این تقسیم‌بندی اضافه کرد که همان معیار قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در تقسیم‌بندی چهارگانه مجازات‌ها به حدود، قصاص، دیه و تعزیرات می‌باشد که معیاری شرعی می‌باشد. تقسیم‌بندی مجازات‌ها برای اشخاص حقوقی نیز اعمال‌شدنی است. (پوربافرانی و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۰۴) امکان اعمال مجازات‌های را نسبت به اشخاص حقوقی از جهات ذیل می‌توان بررسی کرد.

1. Jiachen

۲. این تقسیم‌بندی، خاص حقوق ایران نیست و در نظام حقوقی کشورهای دیگر از جمله کشورهای عربی (حسینی، ۱۹۸۴: ۶۸۴) و فرانسه (لوترمی و کلب، ۱۳۸۷: ۱۱۴-۱۰۷) نیز وجود دارد.

۲-۳-۱-۱. اعمال مجازات‌های شرعی نسبت به اشخاص حقوقی

یکی از مجازات‌های برای برخی جرایم در قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۴، حد است. حد در لغت به معنای مرز، منع و جلوگیری است (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۱۱). از این نظر «حد» نامیده‌اند که خداوند دستور داده که کسی از آن تجاوز نکند و چنین مجازات‌هایی مجرمان را از کار خود باز می‌دارد (ولائی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). اکثر مجازات‌های حدی مجازات‌های بدنی هستند (شلاق و قطع ید و به صلیب کشیدن) که این مجازات‌ها دارای محدودیت‌های خاصی هستند (ولائی، ۱۳۹۱: ۱۲). اعمال مجازات‌های حدی نسبت به شخص حقوقی غیرممکن است، هرچند برخی از فروض را در این خصوص می‌توان مطرح کرد. به‌عنوان مثال در مجازات تبعید، امکان تبعید شخص حقوقی از محل اقامت آن به نقطه‌ای دیگر متصور است.

قصاص یعنی مشابه عملی را که جانی مرتکب شده است، علیه او انجام می‌دهد (نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۳۴) در مورد جنایت وارد بر نفس، اعضاء و منافع قابل استیفاء می‌باشد (شمعی، ۱۳۹۲: ۱۱۶). قصاص ممکن نباشد، تبدیل به دیه می‌شود و مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۸۴).

اجرای قصاص در ارتباط با اشخاص حقوقی به‌طور کامل منتفی است. البته در مقام صلح و سازش می‌توان فروض بسیار دور و بعدی را نام برد. به‌عنوان مثال، یک شخص حقوقی سب قتل شخصی شناخته شده است و اولیای دم در قبال انحلال داوطلبانه شخص حقوقی، حاضر به گذشت می‌باشند.

در مورد تعزیر در لسان‌العرب آمده: «انّ التعزیر فی اللغه الرد و المنع» (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۱۲). یعنی معنای اصلی تعزیر، منع و رد است. تعزیر در حقوق جزای اسلامی به کیفرهایی گفته می‌شود که نوع، اندازه و چگونگی آن معین نیست و تعیین آنها به مصلحت‌اندیشی حاکم واگذار شده است. قانون‌گذار در قانون فعلی به یک تقسیم‌بندی ابداعی دست زده است و تمامی مجازات‌های تعزیری را در تقسیم‌بندی هشتگانه‌ای طبقه‌بندی کرده است. به این تقسیم‌بندی آثار بسیار گسترده‌ای در بحث تعیین مجازات داراست، چراکه بر اساس درجات مختلف برخی نهادها قابل اجرا هستند و به‌خصوص اختیارات قضات بر اساس این تقسیم‌بندی تحدید می‌گردد. قانون‌گذار خود در تبصره ۴ ماده ۱۹ مقرر داشته است: «مقررات این ماده و تبصره‌های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قوانین جاری ندارد».

مجازات‌های تعزیری عمومی اصلی شامل حبس و شلاق بوده که در ارتباط با شخص حقوقی قابلیت اجرایی را ندارد، لیکن قانون مجازات برای اشخاص حقوقی، مجازات‌های تعزیری

اختصاصی تعریف کرده است و در نتیجه مجازات تعزیری نسبت به شخص حقوقی قابلیت اعمال را دارد.

قرآن کریم به صراحت از دیه نام برده است و از این رو جزء نصوص قرآنی است که شک و شبهه‌ای در آن راه ندارد (صالحی، ۱۳۷۶: ۳۸). به باور فقیهان امامی، «دیه مالی است که در صورت وقوع جنایت بر نفس و یا اعضای بدن و یا ایراد جرح باید ادا شود» (موسوی خویی، ۱۹۷۵: ۱۸۶/۲؛ گرجی، ۱۳۸۰: ۱۹). ماده ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی نیز در تعریف دیه می‌گوید: دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.

صرف نظر از ماهیت حقوقی دیه (میرسعیدی، ۱۳۷۳: ۱۳۵؛ پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۲۰۹-۲۰۷؛ صالحی، ۱۳۷۶: ۴۶)، موضوع امکان محکومیت شخص حقوقی به پرداخت آن، همواره مطرح بوده است، پیش از پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی، محکومیت وی به دیه ممکن نبود، اما برخی قوانین به صورت پراکنده، پرداخت دیه را برای شخص حقوقی در نظر گرفته بودند؛ مانند تبصره ۲ ماده ۲ قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی مصوب ۱۳۸۴ که به موجب آن: «... راه آهن و شرکت‌های موضوع این قانون، حسب مورد در صورت بروز سوانح ریلی مطابق قانون مسئولیت مدنی، مسئول جبران خسارت و پرداخت دیه به افراد سانحه‌دیده می‌باشند.» بدین ترتیب جز در موارد خاص، امکان پرداخت دیه توسط سایر اشخاص حقوقی با مشکل مواجه بود. این مشکل با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برطرف شد؛ زیرا بر اساس تبصره ماده ۱۴، «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده، احراز شود، دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود...». همچنین طبق ماده ۵۰۵ این قانون: «هرگاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند، در صورتی که سبب حادثه، علل قهری همچون زلزله و سیل نبوده و مستند به راننده باشد، راننده ضامن دیه است. چنانچه وقوع حادثه مستند به شخص حقوقی یا حقیقی دیگری باشد، آن شخص ضامن است.» این ماده و تبصره ماده ۱۴، شخص حقوقی را به صورت مطلق ذکر کرده است؛ بنابراین برخلاف برخی نظرات (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸۹)، اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی حتی زمانی که اعمال حاکمیت می‌کنند، مشمول این ماده قرار می‌گیرند. از بین مجازات‌های شرعی، دیه به طور کامل قابلیت اعمال نسبت به اشخاص حقوقی را دارد و حتی در مواردی که اشخاص حقوقی حقوق عمومی در مقام اعمال حاکمیت هستند که هم می‌تواند پرداخت گردد.

۲-۳-۱-۲. اعمال مجازات تکمیلی برای اشخاص حقوقی

به لحاظ تحلیل حقوقی، هیچ مانعی برای تحمیل مجازات تکمیلی به اشخاص حقوقی وجود ندارد؛ چون این مجازات‌ها عمدتاً از زمره مجازات‌های سالب یا محدودکننده حق (محرومیت از حقوق اجتماعی) هستند که به لحاظ منطقی، اعمال آنها نسبت به اشخاص حقوقی امکان‌پذیر است. در حقوق کیفری فرانسه نیز اعمال مجازات‌های تکمیلی، وقتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرایم خلافی (نه جنایت و جنحه) شوند، پذیرفته شده است (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۶۶۲-۶۶۱/۲؛ لوترمی و کلب، ۱۳۸۷: ۱۱۴-۱۱۳). با وجود این، ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، اعمال مجازات تکمیلی بر اشخاص حقوقی را نمی‌پذیرد. این ماده مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید...» ماده از «فرد» سخن می‌گوید که تنها اشخاص حقیقی را شامل می‌شود. بیشتر این مجازات‌ها هم متناسب با ماهیت اشخاص حقیقی است. به هر حال، به‌رغم برخی نظرات که مدافع اقدام قانون‌گذار به‌نظر می‌رسد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۷۱/۲)، رویه قانون‌گذار در عدم پذیرش قابلیت اعمال مجازات تکمیلی در مورد اشخاص حقوقی چندان صائب نیست، به‌ویژه که، مقنن در تعیین مجازات‌های اصلی برای اشخاص حقوقی دچار محدودیت بوده است و گاه این محدودیت در تعیین مجازات اصلی می‌تواند منجر به تعیین نوع شدید مجازات اصلی گردد (پوربافرانی و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

۲-۳-۱-۳. اعمال مجازات تبعی برای اشخاص حقوقی

مجازات تبعی در حقوق کشورهای مختلف از جمله ایران، عمدتاً به شکل محرومیت از حقوق اجتماعی است. محرومیت از حقوق اجتماعی در زمره مجازات‌های قابل اعمال به اشخاص حقوقی نیز می‌باشد؛ بنابراین از حیث ماهیت مجازات تبعی، مشکلی برای اعمال آن بر اشخاص حقوقی وجود ندارد. به نظر می‌رسد که اعمال مجازات‌های تبعی بر اشخاص حقوقی منطقی نیست. همان‌گونه که می‌دانیم مجازات تبعی به‌صورت محرومیت از حقوق اجتماعی همچون تصدی مناصب و موقعیت‌های اجتماعی نظیر عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، داوطلب شدن برای انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی شهر و روستا، اشتغال در دستگاه‌های دولتی و... است که اختصاص به اشخاص حقیقی دارد، نه اشخاص حقوقی. مبنای بحث هم آن است که اعضای جامعه نمی‌پذیرند فردی که مثلاً تا دیروز به‌خاطر ارتکاب جرم در حبس بوده است، امروز ناگهان به عضویت یک‌نهاد مهم حکومتی درآید؛ مثلاً نماینده مجلس یا عضو شورای نگهبان شود (پوربافرانی و

سیفی، ۱۳۹۴: ۱۰۷). هیچ کدام از مجازات‌هایی که قانون‌گذار در آنها را دارای مجازات تبعی دانسته است، از زمره مجازات‌های قابل اعمال به اشخاص حقوقی به‌شمار نمی‌آیند. دقت در مصادیق حقوق اجتماعی مندرج در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز که «مجازات تبعی» به‌شمار می‌آید، بیانگر آن است که عمدتاً تناسبی با اشخاص حقوقی ندارد.

۲-۳-۲. مجازات‌های اختصاصی

در راستای هدف مجازات که وارد کردن میزانی از درد به کسانی است که قانون را نقض می‌کنند (شیکر، ۱۳۹۳: ۱). می‌توان مجازات‌هایی اختصاصی را برای اشخاص حقوقی متناسب با شخصیت آنها در نظر گرفت. درد وارده به اشخاص حقوقی باید از جنس خود اشخاص حقوقی و متناسب برای آنها باشد.

۲-۳-۲-۱. مجازات‌های منجر به نابودی شخص حقوقی

یکی از مجازات‌های اختصاصی که مقنن می‌تواند برای شخص حقوقی در نظر بگیرد، «مجازات‌های نابودگر شخص حقوقی» است و به مجازات‌هایی گفته می‌شود که به حیات شخص حقوقی خاتمه می‌دهند. مجازات انحلال و تعطیل دائمی شخص حقوقی از این دسته‌اند. مجازات انحلال از لحاظ شدت، نظیر مجازات اعدام در مورد اشخاص حقیقی است، با این تفاوت که با انحلال شخص حقوقی، نه تنها حیات حقوقی یک شخص حقوقی پایان می‌پذیرد، بلکه سهام‌داران آن شرکت و احیاناً کارمندان زیاد آن شرکت هم متضرر شده و کار خود را از دست می‌دهند. بدین ترتیب با توجه به اهمیت و شدت این مجازات، ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی آن را در زمره مجازات‌های تعزیری درجه یک یعنی سنگین‌ترین مجازات‌ها قرار داده است. همان‌طور که در مورد اعدام این دغدغه وجود دارد که موارد شمول آن تقلیل یابد، در مورد اشخاص حقوقی نیز این موضوع مطرح است که در حد امکان دایره اعمال مجازات انحلال کاهش یابد. بدیهی است که انحلال شرکت به سبب اصل تناسب نمی‌تواند در مورد جرایم کم‌اهمیت به کار گرفته شود (فیرگ^۱، ۱۹۹۹: ۵۸). در واقع، انحلال شرکت باید تنها زمانی در نظر گرفته شود که اهداف شرکت یا فعالیت‌هایش مستقیماً در جهت ارتکاب تقصیر جزایی است (کلز^۲، ۱۹۹۹: ۷۰). به هر حال، موارد اعمال مجازات انحلال همانند مصادره کل اموال محدود است و در موارد استثنایی هم که اعمال می‌شود به دلیل حمایت از منافع جامعه در مقابل سازمان‌ها و مؤسسات مجرمانه است (هاین^۳، ۱۹۹۹: ۲۴۶)، در کنار انحلال، مجازات تعطیلی دائم نیز از زمره

1. Fieberg
2. Kolz
3. Heine

مجازات‌های نابودگر شخص حقوقی به شمار می‌آید که قانون مجازات اسلامی آن را پیش‌بینی نکرده است.

۲-۳-۲. مجازات‌های محل فعالیت شخص حقوقی

در کنار مجازات‌های نابودگر شخص حقوقی، مجازات‌های اخلاک‌گر در فعالیت آنها نیز وجود دارد. به دلیل عدم کاربرد مجازات‌های سالب آزادی درباره اشخاص حقوقی و به جهت عدم گستره وسیع کاربرد مجازات‌های نابودگر در مورد این اشخاص، قانون‌گذاران عمدتاً به مجازات‌های اخلاک‌گر نظیر تعطیلی موقت، مجازات‌های مالی و مجازات‌های سالب حقوق اجتماعی یا شغلی که متناسب با ماهیت اشخاص حقوقی است، متوسل می‌شوند. در این میان، مجازات تعطیلی موقت، دقیقاً کارکرد مجازات سالب آزادی یعنی حبس را دارد.

۲-۳-۳. مجازات‌های مؤثر در اعتبار و حیثیت شخص حقوقی

مجازات‌های سالب حیثیت یا موهن، سابقه‌ای طولانی در حقوق کیفری دارد (علی‌آبادی، ۱۳۶۸: ۱۲۸/۲). این مجازات‌ها امروزه به تاریخ پیوسته‌اند، اما اقسامی از آن که مغایرتی با موازین حقوق بشری ندارند، در قوانین کیفری موجودند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۶/۳). این مجازات‌ها بر اشخاص حقوقی اثر خاصی می‌گذارد و می‌تواند آنها را در معرض از دست دادن مشتریان و مراجعان قرار دهد (علی‌آبادی، ۱۳۶۸: ۱۲۹/۲).

قانون‌گذار از میان مجازات‌های اشاره‌شده، «انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها» را در بند «چ» ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی برای اشخاص حقوقی برگزیده است و ماده ۱۹ نیز آن را در زمره مجازات‌های تعزیری درجه شش قرار داده است. دادگاه ممکن است دستور اعلان یا نشر یا پخش بخشی از تصمیم را صادر کند یا مفاد آن را منتشر نماید» (فرج‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۵۶). انتشار حکم ممکن است نتایج پیش‌بینی‌نشده در پی داشته باشد و منجر به سوءاستفاده رسانه‌ها در این زمینه گردد (هاین، ۱۹۹۹: ۲۵۰).

لذا برای رفع این پیامدها و جلوگیری از سوءاستفاده رسانه‌ها برای مخدوش کردن چهره شرکت‌های بزرگ باید تدابیری اندیشیده شود؛ مثلاً افشای اطلاعات عدالت کیفری توسط رسانه‌ها نسبت به جرم شخص حقوقی باید از طریق قانون‌گذاری نظام‌مند شود. نظام عدالت کیفری ایران در مقام تقنین از هر سه نوع مجازات اختصاصی فوق‌الذکر استفاده نموده است.

بحث و نتیجه گیری

در پاسخ‌دهی واکنشی سعی می‌شود با تکیه بر اثرهای کیفر و اعمال مجازات، با اجرای اصولی، سریع و حتمی کیفر، بر افکار عمومی تأثیر گذاشته تا هم پاسخ مناسبی به مرتکب داده شود و هم از ارتکاب جرایم آتی پیشگیری شود؛ اما باید اذعان کرد هرچند که در بسیاری از کشورها مجازات‌های سنگینی وضع شده؛ اما در مهار جرایم موفق نبوده‌اند و این پاسخ‌دهی، انتظارات را برآورده ننموده است. پاسخ‌دهی واکنشی می‌تواند به شکل عام و یا به شکل خاص باشد. اولین پاسخ نظام عدالت کیفری به جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی، پذیرش مسئولیت کیفری و مجازات کردن اشخاص حقوقی است. بدین منظور یک سری مجازات‌های اختصاصی برای اشخاص حقوقی در قانون پیش‌بینی شده است. مجازات‌هایی اختصاصی برای اشخاص حقوقی باید متناسب با شخصیت آنها در نظر گرفته شود. نظام عدالت کیفری ایران با پیش‌بینی مجازات‌های اختصاصی برای اشخاص حقوقی و در کنار آن پذیرش جزای نقدی نسبت به جرایم ارتكابی این اشخاص واکنش نشان داده است، مجازات‌های اختصاصی مشخص شده از جامعیت لازم برای همه اشخاص حقوقی برخوردار نیست و اشخاص حقوقی حقوق عمومی و همچنین اشخاص حقوقی حقوق خصوصی که غیرتجاری هستند، چندان مورد توجه قانون‌گذار نبوده‌اند.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۰۸). لسان العرب. جلد ۱۱. داراحیاء التراث العربی.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. چاپ سی و دوم. جلد دوم. میزان.
- استفانی، گاستون؛ بولک، برنار؛ لواسور، ژرژ. (۱۳۷۷). حقوق جزای عمومی. ترجمه حسن دادبان. دانشگاه علامه طباطبائی.
- بولک، برنار. (۱۳۸۴). کیفرشناسی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ چهارم. مجد.
- پاسبان، محمدرضا. (۱۳۸۹). حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ هفتم. سمت.
- پوربافرانی، حسن. (۱۳۹۲). حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص). جنگل.
- پوربافرانی، حسن؛ سیفی، مهدیه. (۱۳۹۴). گونه شناسی مجازات شخص حقوقی. آموزه‌های حقوق کیفری، بهار و تابستان (۹).
- پیرانی، محمد؛ بایرامی، ولی؛ قیطان، ستاره. (۱۳۹۶). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی. مطالعات حقوقی، زمستان (۱۶).
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۲). لغت‌نامه دهخدا. دانشگاه تهران
- شریفی، محسن. (۱۳۹۵). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و فرانسه. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۱ (۷۶-۷۵)، ۸۱-۱۱۶.
- <http://j1views.ujssas.ac.ir/article-1-642-fa.html>
- شمعی، محمد. (۱۳۹۲). درآمدی بر جرم‌انگاری و جرم‌زدایی. چاپ اول. جنگل.
- شیکر، دیوید. (۱۳۹۳). مفهوم و ماهیت مجازات. ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان. جنگل.
- صالحی، فاضل. (۱۳۷۶). دیه یا مجازات مالی. دفتر تبلیغات اسلامی.
- صانعی، پرویز. (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی. چاپ چهارم. گنج دانش.
- صفار، محمدجواد. (۱۳۹۰). شخصیت حقوقی. چاپ اول. بهنامی.
- طهماسبی، جواد. (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری. چاپ سوم. جلد دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- فلاحتی، احمد. (۱۳۹۳). اصل ضرورت در جرم‌انگاری. چاپ اول. دادگستر.
- گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). دیات. چاپ اول. دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج؛ قربانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در کنوانسیون‌های بین‌المللی. دادرسی، (۹۲): ۱۶-۱۰.
- لوترمی، لورانس؛ پاتریک کلب. (۱۳۸۷). بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه. میزان.
- محسنی، مرتضی. (۱۳۷۶). حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری). گنج دانش.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۷۹). قواعد فقه بخش جزایی. چاپ اول. مرکز نشر علوم اسلامی.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۹۷۵). مبانی تکملة المنهاج. مطبعة بابل.
- میرسعیدی، منصور. (۱۳۷۳). ماهیت حقوقی دیات. چاپ اول. میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). مباحثی در علوم جنایی. مجموعه دوجلدی به کوشش شهرام ابراهیمی.

- نوربها، رضا. (۱۳۹۲). زمينه‌ی حقوق جزای عمومی. چاپ سی و چهارم. گنج دانش.

- Ashworth, A. (2005). *Sentencing and Criminal Justice*, First published, Cambridge University Press.
- Dandurand, Y. (1999). *Entertaining Realistic Expectations about the Effect of Criminal Sanctions Imposed on Corporate Entities: Canada*, in: Albin Eser & Günter Heine & Barbara Huber (eds.), *Criminal Responsibility of Legal and Collective Entities*, International Colloquium, Berlin.
- Fieberg, G. (1999). *National Developments in Germany: An Overview*, in: Albin Eser & Günter Heine & Barbara Huber (eds.), *Criminal Responsibility of Legal and Collective Entities*, International Colloquium.
- Heine, G. (1999). *Sanctions in the Field of Corporate Criminal Liability*, in: Albin Eser & Günter Heine & Barbara Huber (eds.), *Criminal Responsibility of Legal and Collective Entities*, International Colloquium, Berlin, 4-6 May 1998.
- Jiachen, J. L. (1999). *The Legislation and Judicial Practice on Punishment of Unit Crime in China*, in: Albin Eser & Günter Heine & Barbara Huber (eds.), *Criminal Responsibility of Legal and Collective Entities*, International Colloquium, Berlin.
- Wells C (2011). *Corporate Liability in England and wales: past, Present, and Future; available at Corporate criminal liability*, Volume, Springer.